

🗨 گفت‌وگو
مهسا گربندی

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

۱۲ سال تحصیل، ۱۲ سال رفت و آمد به مدرسه و پرداخت هزینه‌های گرگاف، هم از سوی خانواده‌ها و هم از سوی آموزش و پرورش. در نهایت اما، چه چیزی به دست می‌آید؟ کمتر کسی است که از نتیجه این سال‌ها تلاش، رضایت داشته‌باشد. چند درصد از این دانش آموزان، برای آینده‌سازی مملکت تربیت می‌شوند؟ چه تعداد از آنها، با نگاه اجتماع محور (نه فر دگرایانه)، تعلیم می‌یابند؟ متأسفانه پاسخ این سؤال را کسی نمی‌داند؛ چرا که اساسا هیچ متأسفانه دغدغه‌ای برای رسیدن به پاسخ این سؤال مهم وجود ندارد. موضوعی که سبب شده، نظام آموزشی کشور به مسائل فردی تقلیل پیدا کند و بر تری در آزمون‌های متعددی چون کنکور، ملاک اول و آخر دانش آموزان و خانواده‌ها بپاشان باشد.
دیگر وقت آن رسیده که متأسفانه پاسخ دور زدن این مسیر اشتباه باشیم، باید تا دیر تر از این نشده، از تکرار این اشتباه دست برداریم. محمد آذین، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت در گفت‌وگو با «جوان» توضیح می‌دهد که «در میان مسئولان عالی کشور، شاید تنها کسی که به‌طور جدی چنین نگاهی به آموزش وپرورش داشته‌ند، رهبر شهیدمان بودند. ایشان بارها تأکید کردند که باید کاری کنیم که دانش آموزان از همان پایه اول ابتدایی، خود را بخشی از جدول پیشرفت کشور بدانند.» مشروح این گفت‌وگو را ادامه می‌خوانید.

چرا اساسا آموزش و پرورش برای ساختن آینده کشور چندان کار آمد نیست؟
وقتی از «تعلیم و تربیت» سخن می‌گوییم، اگر چیزی جز تصویر آینده جامعه، در ذهن ما شکل بگیرد، دچار خطا شدیم.امروز وزیر گرفته تا معلم در کف میدان، و حتی والدین و دانش آموزان، اغلب تورشان از تعلیم و تربیت نگاهی فر دگرایانه است. به همین دلیل مسائل نیز عمدتا به مسائل فردی تقلیل پیدا می‌کند، مثلاً اینکه چگونه استرس دانش آموزان کاهش یابد، چگونه دچار آسیب نشوند، چگونه در آزمون‌ها اضطراب را مدیریت می‌شود، در چگونه استعدادهایشان شناسایی شود و چگونه هر کدام به استعداد خاصی هدایت شوند. در چنین فضایی، رقابت به مسئله‌ای محوری تبدیل می‌شود و نمره نیز به‌شدت موضوعیت پیدا می‌کند. به این ترتیب، موفقیته‌ها نیز، عمدتاً در قالب موفقیت فردی تعریف می‌شود.

بطبیعتاً دل چنین نگاهی، نتیجه‌ای برای کشور حاصل نمی‌شود، یعنی این نوع نظام تعلیم و تربیت، اساساً برای اداره کشور و ساختن آینده آن کار آمد نیست. حتی اگر افراد در این سیستم بسیار دلسوز باشند و حتی اگر هزینه‌های زیادی صرف شود، باز هم خروجی آن کمک چندانی به پیشرفت کشور نخواهد کرد.

به نظر شما چگونه می‌توان این روند معیوب را بهبود بخشید و آن را کار آمد کرد؟
اگر یک سیستم ناکار آمد باشد، می‌تواند خود را اصلاح کند، اما اگر اهداف به درستی تعریف نشده‌باشند، حتی اگر سیستم هر روز کارآمدتر هم شود، باز هم به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. برای مثال، اگر آموزش وپرورش در چارچوب همین اهداف فعلی بهتر و گسترده‌تر عمل کند، ممکن است حتی پدیده‌هایی مانند خروج نخبگان از کشور افزایش پیدا کند، زیرا موفقیت همچنان در قالب منافع فردی تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد این دقیقاً همان گره اصلی مسئله است.

در اینجا پرسش مهم این است که هدف چه باید باشد؟ اگر این نوع تفکر را نادرست بدانیم، باید آن را با چه نگاهی جایگزین کنیم؟ واقعیت این است که این مسئله صرفاً به وزیر یا مدیران یک وزارتخانه محدود نمی‌شود، بلکه موضوعی فراتر از سطح وزارتخانه است.

باید ساخت اصلی تربیت، ساخت اجتماعی باشد. در میان مسئولان عالی کشور، شاید تنها کسی که به‌طور جدی چنین نگاهی به آموزش وپرورش داشته‌ند، رهبر شهیدمان بودند. ایشان بارها تأکید کردند که باید کاری کنیم که دانش آموزان از همان پایه اول ابتدایی، خود را بخشی از جدول پیشرفت کشور بدانند. اما به‌جز ایشان، کمتر می‌توان چنین تصویری را در ساختار نظام آموزش وپرورش مشاهده کرد. بنابراین ما نیازمند تغییر تصورات و تغییر پارادایم هستیم.

و این پارادایم چگونه تغییر می‌کند؟

از طریق تغییر گفتمان، یعنی باید این موضوع در سطوح

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

مختلف جامعه و نظام تصمیم‌گیری آن‌قدر مطرح و تکرار شود که به تدریج باورها تغییر کند. مسئله اصلی ما در حقیقت مسئله باور مدیران ارشد کشور است. البته این تغییر تنها در سطح گفتار کافی نیست، اسناد بالادستی نیز باید اصلاح شوند. برای مثال، سند تحول بنیادین آموزش وپرورش، ارتباط روشنی با مفهوم «پیشرفت کشور» برقرار نکرده‌است. در این سند نیز عمدتاً تربیت در سطح فردی تعریف شده و تربیت اجتماعی تنها یکی از ابعاد آن محسوب می‌شود، در حالی که به عقیده من، باید اصل و محور تربیت، بعد اجتماعی باشد.

براین‌برای در کنار تغییر نگرش‌ها، اسناد راه‌بردی نیز باید مورد بازنگری قرار بگیرند. در غیر این صورت، اساساً این سؤال پیش می‌آید که چرا باید چنین هزینه کلانی برای آموزش وپرورش صرف شود، هزینه‌ای که مثلاً در سال گذشته حدود ۵۰۰ همت عنوان شده!

بر فرض که این تغییر پارادایم با تغییر گفتمان تغییر کند. آیا ارائه آموزش‌ها به قدری تأثیر گذار هستند که متمر ثمر واقع شوند؟ پس از جنگ ۱۲ روزه، بارها گفته می‌شود که اگر جنگ دیگری رخ دهد، آمادگی کافی برای آموزش مجازی خواهیم داشت. اما متأسفانه اینطور نشد. در جنگ تحمیلی رمضان، از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده نکردیم و دیدیم که دانش آموزان، خانواده‌ها و حتی معلمان با سختی‌های بسیاری مواجه شدند. متأسفانه برای بار دیگر به آموزش لطمه جدی وارد شد، لطمه‌ای که سالیان سال گریبان دانش آموزان را خواهد گرفت. کارهایی می‌شد انجام داد که از آن غفلت کردیم؟

بله همین‌طور است. متأسفانه در بسیاری از مدارس، کلاس‌ها به‌درستی تشکیل نشده، و آموزش مجازی هم حتی در مواردی که برگزار می‌شود، کیفیت و زمان کافی ندارد. گاهی تنها دو ساعت در روز از طریق سامانه «شاد» برگزار شد، در حالی که شاد اساساً بستر مناسبی برای آموزش مجازی با کیفیت نیست. از سوی دیگر، معلم ممکن است انگیزه یا زمان کافی نداشته باشد، دانش آموزان هم انگیزه لازم را ندارند و عملیاتی در کلاس حضور فعال ندارد. در چنین شرایطی آموزش عملاً متوقف شده و جایگزین مؤثری نیز برای آن در نظر گرفته نشده‌است.

تمام اینها پیش از جنگ، روشن و پدیدهی بود. بنابراین باید تمام تلاش‌ها را برای تقویت آموزش مجازی به کار می‌بردند. وقتی شخص رئیس‌جمهور، توجه و دغدغه زیادی نسبت به تقویت آموزش و پرورش در کشور

جامعه

سرویس اجتماعی | ۸۸۵۲۰۶۰

لزوم تغییر پارادایم در ساختار نظام آموزش و پرورش در گفت‌وگوی «جوان» با محمد آذین

عبور از تربیت فردی به تربیت اجتماعی شرط پیشرفت کشور است

اساساً خروجی آموزش برای ما چندان اهمیت پیدا نکرده است، یعنی مهم این است که کلاس اداره شود و سال تحصیلی به پایان برسد



رضا دهشیری جوان

داشته‌اند، باید از این توجه بهره می‌برند و اقدام مؤثری در زمینه زیرساخت‌های فنی انجام می‌داندند، مثلاً حداقل سرورهای لازم برای این سامانه تهیه شود تا آموزش‌ها لنگ نماند.

از سوی دیگر دیدیم که از ظرفیت مدرسه تلویزیونی ایران هم به خوبی استفاده نشد. بدون شک تلویزیون می‌تواند بخشی از دانش آموزانی را که به اینترنت دسترسی ندارند پوشش دهد. از قبل هم بارها گفته شده بود که اگر شرایط بحرانی پیش آمد، باید برنامه‌های باکیفیت آموزشی برای تلویزیون تولید شود. بنابراین می‌بایست برنامه‌های آموزشی از قبل ضبط می‌شد

و برای تأمین بودجه آن هم برنامه‌ریزی می‌کردند، اما همانطور که دیدیم، آموزش صورت چنین کاری نکرد. تلقی غالب این بود که هر زمان جنگ یا بحران رخ داد، آن زمان برایش فکری خواهیم کرد! حال سؤال اینجاست که آیا در مورد حقوق نیروهای خود نیز همین‌گونه عمل می‌کنند؟ قطعاً نه. چون صدای کارکن کتان بلند می‌شود، تلاش می‌کنند حقوق آنها بموقع پرداخت شود (و البته باید هم چنین باشد) اما چرا وقتی کیفیت آموزشی می‌بیند، حساسیتی مشابه آن دیده نمی‌شود؟! این نیز سبب می‌رسد کمتر کسی در وزارت



🗨 گفت‌وگو
مهسا گربندی

اگر یک سیستم ناکار آمد باشد، می‌تواند خود را اصلاح کند، اما اگر اهداف به درستی تعریف نشده‌باشند، حتی اگر سیستم هر روز کارآمدتر هم شود، باز هم به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. برای مثال، اگر آموزش وپرورش در چارچوب همین اهداف فعلی بهتر و گسترده‌تر عمل کند، ممکن است حتی پدیده‌هایی مانند خروج نخبگان از کشور افزایش پیدا کند، زیرا موفقیت همچنان در قالب منافع فردی تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد این دقیقاً همان گره اصلی مسئله است.

معاون اول قضا:

مسیر ثبت اسناد غیر رسمی، ساده و هوشمند شد

حاصل همکاری میان بخش‌های مختلف است و نقطه تحقق عملیاتی این قانون به‌شمار می‌رود. وی با اشاره به استمرار جلسات تخصصی در دوسال گذشته خاطرنشان کرد: در این مدت جلسات شنواری راهبری حتی یک هفته نیز متوقف نشد و با وجود برخی اختلاف‌نظرها، در نهایت از طریق گفت‌وگو و هماهنگی، مسائل حل‌وفصل شد و حدود ۴۱۰ مصوبه در این فرآیند به تصویب رسید. معاون اول قوه قضائیه با بیان اینکه سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی بدون پشتوانه کارشناسی به‌صورت مقطعی طراحی نشده‌است، گفت: این سامانه حاصل حدود دوسال کار مستمر بررسی‌های تخصصی است و یکی از مهم‌ترین کاردهای آن، تعیین تکلیف وضعیت حقوقی مردم در حوزه نقل و انتقال اموال غیرمنقول



روزنامه جوان | شماره ۷۶۰۷

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

📌 **مهسا گربندی**

کنیم، حتی برای تمام پایه‌ها، احتمالاً هزینه آن بسیار کمتر خواهد بود. در حالی که میلیون‌ها دانش‌آموز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. فرض کنید تنها برای پایه دوازدهم یک مجموعه آموزشی کامل و باکیفیت تولید شود و به‌صورت گسترده پخش گردد، میلیون‌ها دانش‌آموز از آن استفاده خواهند کرد.

در مقابل، بودجه دولتی آموزش وپرورش در سال گذشته حدود ۵۰۰ همت بوده‌است. در چنین شرایطی، تولید محتوای آموزشی باکیفیت رقم بزرگی محسوب نمی‌شود. ضمن اینکه این کار می‌تواند بخش قابل‌توجهی از فشار آموزشی را از دوش معلمان بردارد که در کلاس‌های پرجمعیت تدریس می‌کنند.

پس چرا از این ظرفیت مهم به درستی بهره نگرفته‌ایم؟

به نظر می‌رسد دو عامل باعث شده که به سمت استفاده درست از این ابزارها حرکت نکنیم. عامل اول این است که اساساً خروجی آموزش برای ما چندان اهمیت پیدا نکرده است، یعنی مهم این است که کلاس اداره شود و سال تحصیلی به پایان برسد. عامل دوم هم این است که در سطح وزارتخانه فهم عمیقی از ابزارهای جدید آموزشی وجود ندارد و مأموریت سازمانی وزارتخانه همچنان بر برگزاری کلاس حضوری متمرکز است.

به همین دلیل، وزارت آموزش وپرورش هیچ‌گاه به «شاد» به‌عنوان یک ابزار قدرتمند آموزشی نگاه نکرده،

ابزاری که البته، می‌تواند مانند یک کلاس واقعی مورد استفاده قرار گیرد. اما معمولاً شُناد به‌عنوان یک ابزار جانی دیده شده که فقط در مواقع اضطراری فعال می‌شود.

آموزش و پرورش دغدغه آن را دارد که بررسی کند، کیفیت آموزش به چه میزان پایین آمده و چرا؟ همانطور که اشاره کردید در رسانه ملی، می‌تواند نقش مهمی برای آموزش و پرورش یكدست و باکیفیت در کشور ایفا کند. آن وقت، هر دانش‌آموز در هر نقطه‌از کشور، می‌تواند از آموزش باکیفیت بهره برد. حتی در شرایط عادی. که به‌عنوان یک مکمل آموزشی برای دانش آموزان عمل کند. آیا این امر شدنی است؟ چطور می‌شود استقبالی دانش آموزان برای استفاده از مدرسه تلویزیونی را بیشتر کرد؟

قطعاً این امکان وجود دارد. تلویزیون همین حالا هم ظرفیت چنین کاری را دارد. اما متأسفانه تا امروز، اجرای ایسن آموزش، با کیفیت پایین انجام شده. چرا که زمینه‌سازی لازم صورت نمی‌گیرد، برنامه‌ها به‌درستی معرفی نمی‌شوند، ارتباط آنها با نظام آموزش وپرورش به‌درستی برقرار نمی‌شود. در چنین شرایطی طبیعی است که مخاطبان زیادی جذب نشوند. بی‌تردید استفاده از ابزارهای مختلف – از تلویزیون گرفته تا سایر فناوری‌های آموزشی – می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد و حتی باید به‌طور جدی مورد استفاده قرار گیرد. در برخی کشورها نیز چنین تجربه‌ای وجود دارد، و بعضی در کنار آموزش رسمی، یک شبکه تلویزیونی آموزشی فعالیت می‌کند که نقش مکمل دارد. دانش آموزان درس‌هایی را که در کلاس می‌خوانند، از طریق این شبکه نیز دنبال می‌کنند. این شیوه می‌تواند تا حد زیادی آموزش را یکدست کند. همانطور که می‌دانید، روش‌های تدریس در کلاس‌ها و مدارس مختلف بسیار متفاوت است، اما مدرسه تلویزیونی می‌تواند چارچوبی منظم ایجاد کند و شیوه آموزش را تا حدی استاندارد و هماهنگ سازد، به‌گونه‌ای که معلم نیز بداند.

در واقع اگر دانش‌آموزی در مدرسه با مشکل مواجه باشد، حداقل باید به یک سطح پایه و باکیفیت از آموزش دسترسی داشته باشد. مدرسه هم اگر بتواند، با توجه به توانایی معلم، شرایط بومی و خلاقیت‌هایی که مدیر و مجموعه مدرسه دارند، می‌تواند کارهای بهتر و بیشتری انجام دهد. اما مهم این است که ما بتوانیم یک «کف باکیفیت» از آموزش را براسا همه دانش‌آموزان حفظ کنیم.

جالب اینجاست که چنین کاری هزینه چندانی هم ندارد. در مقایسه با هزینه‌هایی که اکنون انجام می‌دهیم، این رقم چندان قابل توجه نیست. برای مثال، آخرین سالانه حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان برای ساخت مدرسه هزینه می‌کنند که رقم بسیار بزرگی است. در حالی که اگر بخواهیم محتوای آموزشی باکیفیت تولید

گزارش

نهر اچبدری

تزیق ماهانه ۲۳ میلیون سرم در رگ بیمار برای اقتصاد کلینیک‌های خصوصی

رئیس سازمان نظام پزشکی در کشور ما سالانه بیش از ۲۵۰ میلیون سرم مصرف می‌شود که بیش از ۲ برابر میانگین مصرف جهانی است

وارد در مانگاه که می‌شوی مریض‌ها روی صندلی‌های اتاق انتظار کنار هم نشسته‌اند. در کنار اتاق دکتر دو اتاق هم برای تزریقات بستری سسریایی خانم‌ها و آقایان قرار دارد. داخل اتاق‌ها را که سرک بکشی می‌بینی هر سه، چهار تختی که برای تزریقات سرم گذاشته‌اند، پر است و سرم‌های یک شسکل با مایع زرد رنگی که احتمالاً به واسطه ریختن آمبول‌های تقویتی یا مسکن در داخل سرم به این رنگ در آمده‌اند از میله‌های مخصوص آویزان است. مریض‌ها یکی پس از دیگری وارد اتاق دکتر می‌شوند و ۶،۵ دقیقه بعد وقتی از در اتاق بیرون می‌آیند، به اتاق تزریقات می‌روند تا خانم‌بیمار سرم‌شان را وصل کنند. حس می‌کنی همه این آدم‌ها به یک نوع بیماری مبتلا شده‌اند و تجویز دکتر برای همه آنها یکسان است! ما چرا هنگامی جالب‌تر می‌شود که هنگام حساب و کتاب متوجه می‌شوسی هزینه‌ای که برای تزریقات پرداخت کرده‌ای از هزینه دارو و ویزیت پزشک بیشتر بوده‌است! تقریباً همه‌ما می‌دانیم مطب‌ها و در مانگاه‌هایی اطراف منزلمان هست که برای سر درد وقتی به آنها مراجعه می‌کنی برایت سرم تجویز می‌کنند در مانگاه و مطب‌های خصوصی که به نظر می‌رسد در امداصلی‌شان از تزریقات است به همین خاطر هم با هر ترندی‌تری شده برای هر بیماری سرم و انواع آمبول‌ها را تجویز و تزریق می‌کنند. این در حالی است که ویزیت غیرمنطقی هر دارویی می‌تواند آسیب‌زا باشد.

📌 **۲ برابر میانگین جهانی**

«در کشور ما سالانه بیش از ۲۵۰ میلیون سرم مصرف می‌شود که بیش از دو برابر میانگین مصرف جهانی است.» این جمله را دکتر محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی می‌گوید و تأکید می‌کند با توجه به آمار مصرف بالای کشور، باید در زمینه رعایت تجویز منطقی سرم و دارو‌ها عمل کنیم و سازمان‌های بیمه‌گر باید با اجرایی کردن راهنماهای بالینی در این خصوص نظارت داشته‌باشند. رئیس‌زاده از تک‌تک اعضای سازمان نظام پزشکی خواست توجه به موضوع مصرف منطقی و بر اساس راهنماهای علمی دارو‌ها را مورد توجه قرار دهند.

📌 **ماهی ۲۲ میلیون سرم!**

به گفته محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت هم بزرگ‌ترین هزینه‌ها در بخش دارو مربوط به سرم است و بخش زیادی از تجویز سرم‌ها هم توجه علمی ندارد. وزیر بهداشت با عنوان این مطلب که مصرف سرم در کشور از ۱۳ میلیون در ماه به ۲۲ میلیون افزایش یافته‌است، به این موضوع اشاره کرد که سرم‌امبول باید در بیمارستان ویر اسانس نیاز بیماران مصرف شود، اما برای هر بیماری و سرم‌ماخوردگی و در هر مرکز حتی بدون توصیه‌های علمی، تزریق می‌شود. ظفرقندی از بیمه‌ها خواست نظارت بیشتری بر نسخه‌های دارویی داشته‌اشند.

📌 **سرم برای سرماخوردگی نیست**

ناز یلا یوسفی، مدیر کل دفتر نظارت و پایش مصرف فرآورده‌های سلامت سازمان غذا و دارو، در واکنش به تجویز سرم در نسخه بیمارانی می‌گوید: «تزریق سرم یا داروهای تزریقی برای موارد ساده‌ای مانند سرماخوردگی ویروسی، علاوه بر تحمیل هزینه‌ها در بیشتر، ممکن است دسترسی بیماران نیازمند به خدمات تزریقی ضروری در مراکز درمانی را محدود کند.» هر تزریق سرم می‌تواند با خطرانی مانند عفونت محل تزریق، تشکیل آبسه و واکنش‌های حساسیتی همراه باشد و در مواردی که سرم‌های حاوی سدیم و پتاسیم زیاد بدون اندیکاسیون صحیح تجویز شود، امکان افت سدیم خون و بروز عوارض جدی مانند تشنج و عدم مغزی وجود دارد. یوسفی همچنین به این موضوع اشاره کرد که عوارض تزریق سرم در کودکان خطرناک‌تر است.

📌 **عوارض تزریق سرم بی‌دلیل**

یوسفی با هشدار دربارهٔ نقش برخی مراکز درمانی در تداوم این باور نادرست، تصریح می‌کند: «متأسفانه نوعی مراکز با انگیزه جلب رضایت‌فوری یا منافع اقتصادی، به تداوم این باور نادرست دامن می‌زنند، در حالی که آگاه‌باشیم تزریق سرم برای عارضه نیست و هرگونه اقدام تزریقی می‌تواند با خطرانی مانند عفونت محل تزریق، تشکیل آبسه، واکنش‌های حساسیتی و افزایش حجم مایعات بدن همراه باشد.» وی نسبت به عوارض تجویز غیرمنطقی سرم، هشدار می‌دهد و می‌گوید: «در مواردی که سرم‌های حاوی سدیم با حجم زیاد و بدون اندیکاسیون صحیح تجویز شود، امکان افت سدیم خون و بروز عوارض جدی مانند تشنج و عدم مغزی وجود دارد و این عوارض در کودکان با حساسیت بیشتر و پیامدهای خطرناک‌تری همراه است که لزوم تجویز منطقی و مبتنی بر شواهد را برترنگ‌تری می‌کند»

📌 **گردش مالی نه ضرورت درمانی!**

مهدی یر صالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، با بیان اینکه در حال حاضر در مصرف سرم‌ها، شاهد نوعی مصرف افراطی هستیم، می‌گوید: «خطوری که بدون نیاز واقعی، برای بسیاری از موارد ساده مانند سرماخوردگی یا بیماری‌هایی که حتی ممکن است به داروهای ساده هم نیاز نداشته باشند، سرم تزریق می‌شود. همچنین گاهی چند آمبول داخل سرم اضافه می‌شود که بیشتر جنبهٔ القای درمان یا حتی ایجاد گردش مالی دارد تا نیاز واقعی بیمار. در حالی که در بسیاری از این موارد اصلاً ضرورتی برای این نوع درمان وجود نیابد.» وی با تأکید بر اینکه حتی داروهایی که مصرف ضروری ندارند نیز نباید بی‌دلیل تجویز شوند، تصریح می‌کند: «این موضوع از شوری عالی بیمه پیگیری شده و تصمیمات خوبی اتخاذ شده‌است که امیدواریم بزودی نهایی و ابلاغ شود.» یوسفی گفت که تجویزهای غیرمنطقی تحت پوشش بیمه‌ها گریزند و پزشکانی که خارج از گایدلاین‌ها و پروتکل‌ها اقدام به تجویز می‌کنند، مورد تذکر قرار گیرند تا بتوانیم به سمت مصرف منطقی حرکت کنیم.»

حشر

کاهش بستری مجدد بیماران مبتلا به فشار خون با پیگیری پس از ترخیص

معاونت پرستاری وزارت بهداشت، در مسان و آموزش پزشکی اعلام کرد: عملکرد واحدهای «آموزش و پیگیری بیمار پس از ترخیص» در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

در سال ۱۴۰۴، از موفقیت قابل توجه برنامه‌های مداخله‌ای پرستاری در کنترل بیماری‌های غیر واگیر حکایت داد. طبق اعلام معاونت پرستاری وزارت بهداشت بر اساس داده‌های ثبت‌شده، از مجموع ۹۷ هزار و ۷۸۹ بیمار مبتلا به فشارخون که از بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه‌های علوم پزشکی ترخیص شده‌اند، ۷۲ هزار و ۴۴۲ نفر تحت پوشش برنامه فعلی پیگیری پس از ترخیص قرار گرفته‌اند. آماره که نشان دهنده پوشش ۷۴/۸ درصدی این خدمات مراقبتی است. بر اساس اعلام این معاونت، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این نظام پایش، کاهش چشمگیر نرخ بستری مجدد بیماران بوده‌است. در حالی که نرخ بستری مجدد بیماران مبتلا به فشارخون در استانداردهای جهانی بین ۱۰ تا ۱۸ درصد گزارش می‌شود، اجرای برنامه‌های پیگیری توسط تیم‌های پرستاری در کشور، این شاخص را به ۴/۱ درصد کاهش داده‌است.

همچنین این نتایج بیانگر نقش مؤثر مداخلات پرستاری در پیشگیری از عوارض ثانویه، کاهش هزینه‌های بستری و ارتقای کیفیت زندگی بیماران است. در این بازه زمانی، ۴۳ درصد از بیماران تحت پیگیری، مراجعات برنامه‌ریزی نشده به مراکز درمانی داشته‌اند که پایش مستمر این شاخص، با هدف شناسایی چالش‌ها و بهبود فرآیندهای مراقبتی، در دستور کار واحدهای آموزش و پیگیری بیمار قرار دارد.

آن شامل بارگذاری نقشه و ثبت اطلاعات اولیه است و سایر مراحل به صورت هوشمند و سیستمی تکمیل می‌شود. وی با اشاره به پیش‌بینی مهلت قانونی برای ثبت ادعا افزود: قانونگذار برای این فرآیند مهلت دو ساله تعیین کرده و ضرورتی برای مراجعه همزمان و شتاب‌زده مردم وجود ندارد. این طرح به‌صورت تدریجی اجرا خواهد شد تا از هرگونه التهاب و نگرانی در جامعه جلوگیری شود.

خلیلی در پایان با تأکید بر ضرورت تبیین دقیق قانون برای مردم گفت: اجرای صحیح این قانون می‌تواند نقش مهمی در کاهش فساد، تثبیت مالکیت و ارتقای امنیت حقوقی در کشور ایفا کند و امیدواریم با همراهی همه دستگاه‌ها، این مسیر به‌خوبی طی شود.